

تدوین الگوی رفتار در خانواده با نگاهی به سیره پیامبران مورد اشاره در قرآن

حانیه سازگار¹

چکیده

بدون شک تربیت یکی از عناصر مهم در تمام ادوار بوده و نوع تربیت در روند زندگی یک فرد و تأثیرش در حال درونی خودش، رفتارش با خانواده، اجتماع و... تأثیرگذار است. با توجه به این که انسان معاصر با چالش های بسیار مختلفی از جمله چالش های روحی، روانی یا حتی جسمی و... رو به رو هست و علت این چالش ها به همین تربیت ها برمی گردد و با وجود این که روش های تربیتی مختلفی وجود دارد، ولی همچنان این چالش ها حل نشدند، بلکه روز به روز به آنها اضافه میشود. به عنوان یک فرد مسلمان با توجه به غنای دینی و الگوهایی مثل پیامبران، در این مقاله سعی شد الگوهای رفتاری پیامبران را از قرآن برداشت شود. داده های این پژوهش که به صورت توصیفی و تحلیلی انجام شده به روش کتابخانه ای گردآوری شده است و آنچه از این پژوهش به دست آمده به شرح زیر است: تلاش برای هدایت فرزند، رفتار درست در برابر سرپرست کافر یا ظالم و یا رفتار درست در برابر حسادت خانواده یا اولویت دادن فرمان خدا بر میل خود در برابر خانواده یا رفتار درست در برابر نیاز نامحرم در جامعه و....

کلید واژه

پیامبران، تربیت، خانواده، قرآن

¹طلبه سطح دو، حوزه ولیعصر (عج)، h45802381@gmail.com

مقدمه

در قرآن حکایت های پند آموز زیادی در زمینه ها و موضوعات مختلف از جمله سیاسی اجتماعی فرهنگی و... وجود دارد و می تواند الگوی مناسبی در زمینه رفتار با خانواده داشته باشد که امروزه دچار آسیب های جدی هستند در این مقاله سعی شده است که این الگوها با توجه به رفتار پیامبران استخراج و بررسی بشود بهترین الگو در موضوع چگونگی رفتار پیامبران در حوادث مختلف اعم از بهترین واکنش در برابر سرپیچی از دستور خداوند تاحسادت اعضای خانواده یا چگونگی برخورد با بانوانی که در جامعه نیاز به کمک دارند و برخی موضوعات دیگر را بررسی کند.

اسلام کامل ترین دین است و قرآن بهترین دستورات را دارد بهترین الگوهای رفتاری را معرفی و توضیح می دهد و پیامبران کامل ترین انسانها در طول تاریخ هستند امروزه الگوهای پر شمار رفتاری در جهان وجود دارد که متأسفانه خیلی از آنان برخلاف فطرت است و منجر به ناهنجاری های شدیدی در جامعه شده است یکی از مهمترین مسائلی که در قرآن آمده داستانهایی است که رفتار پیامبران با خانواده شان را در حوادث گوناگون بیان کرده است که شیوه های تربیتی ناب را میتوان از آن فهمید و الگوی رفتاری واقعی را از بین الگوی های بی پایه و اساس امروزی برداشت کرد الگوهایی که بر اساس فطرت انسان است و اثرگذاری واقعی را بر انسان ها می گذارد از همین روست که سبک رفتاری پیامبران با خانواده خود را در حوادث مختلف که از سوی آنان رخ داده را بررسی کند.

در مقاله هایی مانند رفتار پیامبر با خانواده از ناصر باقری بیدهندی در سال ۱۳۸۰ محل نشر فرهنگ کوثر شماره ۴۹ پرداخته شده و در مقاله ای دیگر سبک زندگی خانوادگی در قرآن و سنت پیشوایان معصوم اثر عنایت الله شریفی و مهر علی لطفی در سال ۱۳۹۲ و منبع پژوهش نامه معارف قرآنی شماره ۱۴ در صد بررسی سبک خانوادگی در قرآن و سنت پیشوایان معصوم در ابعاد تشکیل خانواده و ازدواج، محیط خانواده و اداره آن و همسر پروری پرداخته اند و از کتاب ها کتابی مانند رفتار پیامبر با کودکان و جوانان اثر محمد علی چنارانی در سال ۱۳۹۴ هست تحقیقات و کتبها بیشتر در رابطه با رفتار حضرت محمد وجود دارد ولی این نوشتار الگوی رفتاری پیامبران در مقابل رفتارهای مختلفی که خانواده هایشان انجام داده است را از جانب قرآن بیان شده است.

۱.۳. تربیت

"تربیت . [تَی] (از ع ، مص) تربية . پروراندن . (تاج المصادر بیهقی) . پروردن^۱

پیامبر . [پَ بَ] (نف مرکب) پیغامبر . پیغمبر . وخشور . نبی . رسول . آنکه واسطه ً ابلاغ سخنی باشد از کسی بدیگری خواه بزبان و خواه بنامه . رجوع به پیغامبر و پیغمبر

^۱ دهخدا، لغتنامه دهخدا ج ۴ ص ۵۷۷۸

و پیامبر شود. || قاصد. برید. پیک. پیک خبر رساننده. (شرفنامه). || پیام آور. رجوع به پیام آور شود¹.

مقاله حاضر در صدد پاسخ به این سوال است که رفتار در خانواده با نگاهی به سیره پیامبران مورد اشاره در قرآن چه گونه بوده است و برای رسیدن به پاسخ آن باید به چندین سوال فرعی دیگر پرداخته شود:

۱. رفتار حضرت نوح با پسر کافر خود چه گونه بود؟

۲. رفتار حضرت یعقوب و حضرت یوسف در برابر حسادت خانواده خود چه گونه بود؟

۳. رفتار حضرت موسی با سرپرست ظالم خود چه گونه بود؟

۴. رفتار پیامبران با خانواده شان

در بررسی انجام شده در قرآن داستانی از چگونگی رفتاری که حضرت آدم با خانواده خود انجام داده است یافت نشد و آیه هایی که برای موضوع هابیل و قابیل هست را هم به دلیل پیامبر نبودن بررسی نشد به همین دلیل اولین پیامبر مورد بررسی حضرت نوح خواهد بود

۱.۴. حضرت نوح

اولین پیامبر مورد اشاره حضرت نوح است که واکنش ایشان در برابر گمراهی فرزند و از دست دادنش را مورد بررسی قرار می گیرد.

۱.۱.۴. فرزند ناخلف

همین طور که در آیه های قرآن آمده است حضرت نوح فرزندانی داشت که یکی از آنها ناخلف بود در زمان عذاب الهی اتفاق قابل توجهی برای او رخ داد.

"نوح از بالای کشتی نگاه کرد، پسرش کنعان را دید که از دامنه کوهی بالا می رود، گاهی می افتد و گاهی بلند می شود. کنعان به ظاهر به او ایمان آورده بود اما ایمان او واقعی نبود، قلب او از نور ایمان خالی بود.

نوح پسرش را با دنیایی از عاطفه و احساس صدا کرد و به او گفت:

- پسر من! بیا با ما سوار کشتی شو و با کافران مباش!
- من به بالای کوه پناه می برم، این کوه می تواند مرا از غرق شدن نجات بدهد.
- امروز روز عذاب این کافران است، جز لطف خدا، هیچ چیز نمی تواند تو را از این عذاب برهاند.

پسر نوح باور داشت که آن کوه می تواند او را نجات بدهد، او از روی لجابت سخن پدر را نپذیرفت، همین طور که او از کوه بالا می رفت، موجی سهمگین آمد و نوح دیگر او را ندید، او در آب ها غرق شد².

¹دهخدا، لغتنامه دهخدا، ج ۴، ص ۵۱۳۰

²خدایانارانی، تفسیر باران، ج ۴، ص ۳۰۶

۲.۱.۴. فرزند از دست رفته

درس بعدی در رابطه با واکنش نوح و فرزندى هست که شامل عذاب الهی شده: "پس از مناجات و سؤال از حکمت غرق گردیدن کنعان با امید نجات او نظر به وعده ای که قبلاً به او داده شده بود که اهلش نجات می‌یابند گویا از مصدر جلال احدی جواب سخط آمیز به نوح میرسد."

"پروردگار! پسر من از خاندان من است، و تو گفته بودی که خاندان مرا از طوفان و هلاکت رهایی بخشی، و تو از همه حکم‌کنندگان برتری، و در وفای به عهد از همه ثابت‌تری"^۱

3.1.4. کلمه ی أَهْلِيّ به معنای

"مأنوس و آشنا، در مقابل وَحْشِيّ است که به معنی کنار و ناآشنا است. قرآن کریم آنان را که با پیغمبری هم عقیده باشند و به او ایمان آورند اهل او و ذریّه او می‌داند و کسانی را که فرزند نسبی وی باشند در صورت ایمان نیاوردن از اهل او بیرون می‌داند. درباره حضرت نوح بعد از طوفان و غرق شدن پسرش گفت: «رَبِّ اِنَّ ابْنِي مِنْ اَهْلِي وَاِنَّ وَعْدَكَ الْحَقَّ» یعنی: خدایا پسر من اهل من است و وعده تو حق است وعده داده بودی که اهل مرا از غرق نجات دهی پس چرا پسر من غرق شد؟ خدا در جواب فرمود: «اِنَّهُ لَيْسَ مِنْ اَهْلِكَ اِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُصَالِحٍ»، یعنی: او حتماً از اهل تو نیست، او عملش غیر صالح است"^۲.

در اینجا این نکته حائز اهمیت است که "احساس مسئولیت شدیدی که نوح درباره فرزندش میکرد، و عشق و علاقه طبیعی که هر پدری به فرزندش دارد – و پیامبران نیز از این قانون مستثنا نیستند - سبب شد که از خداوند چنین درخواستی کند، اما به محض اینکه از واقعیت امر آگاه شد، به سرعت در مقام عذرخواهی به درگاه خداوند و طلب عفو برآمد، هرچند گناهی از او سر نزده بود، اما مقام و موقعیت پیامبرایجاب می‌کند که بیش از این مراقب گفتار و رفتار خود باشد، برای او با آن شخصیت، همین ترك اولی بزرگ بود و به همین دلیل از پیشگاه خدا تقاضای بخشش کرد"^۳.

نکته ای که در بسیاری از حکایات و داستان های واقعی وجود دارد این است که "همسر بودن یا پدر و فرزند بودن در پاداش و کیفر اثری ندارد. حتی وقتی که پدر به حکم مهر پدر و فرزندى، پسری را که مستلزم عقوبت است دعا می‌کند شدیداً به او عتاب می‌کنند: پندت می‌دهیم که کارهای جاهلانه نکن، تو داری برای این پسر تقاضای نجات می‌کنی؟! چه فرقی میان بچه تو و بچه‌های دیگران است؟ همان‌طور که بچه‌های دیگران باید هلاک شوند، بچه تو هم باید هلاک شود"^۴.

^۱امین، مخزن العرفان، ص ۲۶۹

^۲بیس‌تونی، لغت شناسی قرآن کریم، ص ۸۷ و ۸۹

^۳مکارم شیرازی، تعلیم و تربیت در تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۳۵۸

^۴مطهری، آشنایی با قرآن، ج ۸، ص ۱۱۹

۲.۱.۴. دعای حضرت نوح

آیاتی در قرآن موجود است که به بیان دعا‌های پیامبران می‌پردازد در اینجا مناجاتی که حضرت نوح با پروردگارش در رابطه با خانواده خود دارد را بررسی می‌کنیم:

"پروردگارا! مرا بیمارز، و همچنین پدر و مادرم، و تمام کسانی را که با ایمان وارد خانه من شدند، و برای تمام مؤمنین و مؤمنات، و ظالمان را جز هلاکت میفز"

نوح در حقیقت برای چند نفر طلب آمرزش می‌کند:

"اول" برای خودش، برای اینکه مبدا قصور و ترك اولایی از او سر زده باشد.
"دوم" برای پدر و مادرش، برای قدردانی و حق‌شناسی از زحمات آنان.
"سوم" برای تمام کسانی که به او ایمان آوردند هر چند کم بودند، و سپس همراه او سوار بر کشتی شدند که آن کشتی نیز خانه نوح بود.
"چهارم" برای مردان و زنان با ایمان در تمام جهان و در تمام طول تاریخ، و از اینجا رابطه خود را با مؤمنان سراسر عالم بر قرار می‌سازد"^۱.

۲.۴. حضرت ابراهیم

حضرت ابراهیم را می‌توان الگویی بسیار باارزشی در برابر رفتار با سرپرست کافر، همسر و هم‌فرزند دانست چرا که درس‌های بسیار زیبایی در مورد ایشان وجود دارد

۱.۲.۴. والد مخالف دین

حضرت ابراهیم سرپرستی داشت که بنا به تفاسیر مختلف عموی حضرت ابراهیم بود او از بت پرستان سرسخت بود در داستان رفتار حضرت ابراهیم و سرپرست خود نکات بسیار زیبایی در رابطه با رفتار فرزند با پدر یا مادر خود با وجود مخالفت با دین وجود دارد: "ابراهیم، نوجوانی ۱۵-۱۶ ساله بود که با آذر، بر سر مسأله بت پرستی و پرستش خدای یگانه صحبت می‌کرد. پس از این که در بحث، آذر را شکست داد، به او فرمود: ای پدر! به من علم‌هایی داده‌اند که به تو نداده‌اند؛ پس حرف مرا بپذیر تا راه درست و همواری را به تو نشان دهم و تو را هدایت کنم"^۲. "ولی پس از گفت و گوی بی نتیجه از روی رحمت و لطف و به سبب حقّی که آزر به گردنش داشت، گفت: برای تو استغفار خواهم کرد."^۳.

^۱ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۵، ص ۹۱

^۲ مصباح یزدی، آفتاب ولایت، ص ۵۳

^۳ همان، ص ۱۹۵

در داستان حضرت موسی دو نکته در رابطه با خانواده وجود دارد: حفظ حرمت بانوان در جامعه و نیازی که با حضور در آن برطرف می شود و نوع رفتار با والد کافری که ظالم است.

۱.۴.۴. حفظ حرمت بانوان

درس بعدی درباره حضرت موسی و اهمیت نگه داشتن حرمت بانوان است:

"حضرت موسی در حال فرار از مصر وقتی که به سر چاه «مدین» رسید، به حالت دختران شعیب که در کناری با گوسفندان خویش ایستاده بودند و کسی رعایت حال آنها را نمی کرد رحمت آورد و برای کمک به آن ها گوسفندان آنها آب کشی کرد. دختران پس از مراجعت نزد پدر، جریان روز را برای پدر نقل کردند و او یکی از آنها را پی موسی فرستاد و او را به خانه خویش دعوت کرد"¹.

۲.۴.۴. کوتاه نیامدن از حق در برابر سرپرست کافر

در این بخش به نکته مهمی رسیدگی می شود حضرت موسی در خانه فرعون بزرگ شد ولی این مساله باعث این نشد که در برابر ظلم سکوت کند:

"بعد از آنکه موسی به مصر برگشت و به قصر فرعون رفت خود موسی، از وقتی که بچه شیرخواره بود در خانه فرعون بزرگ شد. موسی در یک محیط بسیار بسیار مرفه و اعیانی و اشرافی بزرگ شد و بعد در عین حال در همان محیط، فرزند همان محیط علیه همان محیط خودش شورید"².

وقتی فرعون حضرت موسی را بعد مدت ها دید به او گفت: "تو همان کسی هستی که در خانه ما بزرگ شدی، سر سفره ما بزرگ شدی؛ تو همان کسی هستی که وقتی بزرگ شدی آن جنایت را انجام دادی (به تعبیر فرعون)، آن آدم را کشتی. می خواست منت بر سرش بگذارد که در خانه ما بزرگ شده ای، سر سفره ما بزرگ شده ای. موسی به او گفت: من در خانه تو بزرگ شدم؛ حالا که در خانه تو بزرگ شده ام، در مقابل اینکه تو قوم من را برده و بنده خودت قرار داده ای سکوت کنم؟ من آمده ام که این بردگان را نجات بدهم"³.

۵.۴. حضرت سلیمان

نکته مهمی که در قرآن در رابطه با حضرت سلیمان وجود داشت امیدی بود که او به جای خدا به فرزند خود داشت.

¹ مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، ص 190

² همان، انقلاب اسلامی از دیدگاه فلسفه تاریخ، ص 50

³ همان، آزادی معنوی، ص 15

۴.۵.۱. امید داشتن غلط به فرزند

و آن مساله مهم آن بود که:

"حضرت سلیمان فرزند پسری داشت که به غلط به او در راه خدا امید بسته بود خداوند فرزند حضرت سلیمان را از دنیا برد و جنازه کودک را بر تخت وی افکند، و در جمله ((ثم اناب قال رب اغفر لی)) دلالت بر می کند که: سلیمان از آن جسد امیدها داشته، و یا در راه خدا به او امیدها بسته بوده، و خدا او را قبض روح نموده و جسد بی جان را بر تخت سلیمان افکنده تا او بدین وسیله متنبه گشته و امور را به خدا واگذارد، و تسلیم او شود"¹.

4.6 حضرت زکریا

در این مورد اهمیت دعا در باب فرزند آن هم فرزندی صالح است که اهمیت فراوانی دارد

درخواست فرزند

در اینجا دعایی که حضرت زکریا با دیدن حضرت مریم کرد مورد توجه قرار گرفته است: "زمانی که حضرت مریم به معبد برای عبادت میرفت حضرت زکریا هروقت در آن معبد حضرت مریم (محراب همان معبد ایشان بوده) وارد می شد، در آنجا یک رزق می یافت که از این جهان نبود. گفت: مریم! اینها از کجاست؟ مریم پاسخ داد که از نزد خداوند است و او به هر که بخواهد بی حساب روزی می دهد. در اینجا به جای رفتارهای اشتباه مثل حسادت، آرزوی داشتن یک فرزند و در حقیقت فرزند صالح را کرد و حد این دعا که صالح باشد شدید شد و دست به دعا برداشت: خدایا ذریه طیب به من بده، که دعا را تو می شنوی².

در مورد خواستن فرزند از خدا، همیشه اولیای خدا فرزند صالح خواسته اند. حضرت زکریا می گوید: فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا يَرْثُنِي وَيَرْثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ وَاجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيًّا و یا می گوید: رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ و یا در سوره فرقان است: هَبْلَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا فُرَّةً أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِمَنْتَقِينَ إِمَامًا"³.

4.7 حضرت عیسی

نکته های تربیتی جالبی در مورد صحبت کردن حضرت عیسی در نوزادی خود وجود دارد که در این قسمت به آن پرداخته می شود.

¹ طباطبائی، المیزان جلد 17 صفحه 311

² مطهری، انسان شناسی قرآن، ص 206

³ مطهری، یادداشت ها، ج 14، ص 264

صحبت کردن حضرت عیسی درست است که ایشان در آن زمان نوزاد بود؛ اما سخنی که از جانب خدا گفت نکات تربیتی دارد: "عیسی با یک جمله ی کوتاه، هم تهمت را از مادرش دور کرد، هم از آینده ی خود سخن گفت و هم به وظیفه ی آینده ی مردم اشاره کرد.¹

و این را به انسان ها نشان داد که نیکی به مادر، از اخلاق انبیاست. و کسی که به مادرش بی مهری کند، به مردم نیز رحم نخواهد کرد.²

نتیجه گیری

در پژوهش حاضر تبیین الگوی دینی رفتار در خانواده با نگاهی به سیره پیامبران مورد اشاره در قرآن بررسی شد، در این پژوهش سعی شد رفتار مناسبی که یک فرد در حوادث مختلف با خانواده خود چه پدر و مادر و یا همسر و فرزندان باید داشته باشد از زبان آیه های قرآن که بهترین راهنمای ما هست بررسی شود و این حادثه ها در زندگی پیامبران افتاده است از جمله الگوی رفتاری حضرت نوح که از هدایت کردن فرزند ناخلف خود نا امید نشد یا حضرت ابراهیم که مطیع امر خدا در برابر همسر اول و دوم و رفتاری که با حضرت اسماعیل بود یا صبر و بخششی که حضرت یعقوب و حضرت یوسف در برابر برادرانش داشتند یا حضرت موسی در برابر رفتاری که در جهت حفظ حرمت بانوان و رفتار درستی که با سرپرست ظالم خود و یا اشتباه حضرت سلیمان به خاطر امید بیجا به فرزند در مقابل امید به خدا داشت و یا لزوم دعا کردن برای فرزند صالح داشتن حضرت زکریا و در آخر پندهای مورد توجه که در صحبت حضرت عیسی در نوزادی است.

^۴قرائتی، تفسیر نور، ج ۵، ص ۲۶۱

^۲همان، تفسیر نور، ج ۵، ص ۲۶۳

منابع

❖ قرآن

۱. امین، نصرت، مخزن العرفان، اصفهان: گلبهار، ۱۳۸۹.
۲. بیستونی، محمد، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مشهد: آستان قدس رضوی، شرکت به نشر، ۱۳۹۰.
۳. بیستونی، محمد، لغت شناسی قرآن کریم، تهران: بیان جوان، ۱۳۸۸.
۴. رضایی اصفهانی، محمدعلی، تفسیر مهر، قم انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن، ۱۳۷۸.
۵. طباطبائی، سیدمحمدحسین، المیزان، ترجمه ناصر مکارم شیرازی و دیگران، قم: بنیاد علمی و فرهنگی علامه طباطبائی، بی تا.
۶. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۷.
۷. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بی جا: بی نا، بی تا.
۸. مصباح یزدی، محمد تقی، آفتاب ولایت، قم: موسسه امام خمینی، ۱۳۸۴.
۹. -----، قرآن در آیینه نهج البلاغه، قم: موسسه امام خمینی، ۱۳۸۹.
۱۰. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۳.
۱۱. -----، ناصر، تعلیم و تربیت در تفسیر نمونه، قم: انتشارات امام علی بن ابی طالب (ع)، ۱۳۹۹.
۱۲. مطهری، مرتضی، آزادی معنوی، موسسه انتشارات صدرا، ۱۳۶۵.
۱۳. -----، آشنایی با قرآن، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۷۸.
۱۴. -----، انسان شناسی قرآن، موسسه انتشارات صدرا، ۱۳۹۲.
۱۵. -----، امامت و رهبری، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۸۹.
۱۶. -----، انقلاب اسلامی از دیدگاه فلسفه، موسسه انتشارات صدرا، ۱۳۹۷.
۱۷. -----، نظام حقوق زن در اسلام، موسسه انتشارات صدرا، ۱۳۹۶.
۱۸. -----، یادداشت‌ها، موسسه انتشارات صدرا، ۱۳۷۸.
۱۹. میرخلف زاده، قاسم، داستان‌های آموزنده از حضرت یوسف، قم مهدی یار، ۱۳۸۰.
۲۰. موحیدی، محمدرضا، داستان پیامبران برگرفته از تفسیر روض الجنان، قم: موسسه علمی و فرهنگی دارالحديث، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۸۴.

